

مقایسه‌ی تطبیقی ارزش‌های پذیرفته شده‌ی نسل

دوم و سوم انقلاب اسلامی ایران در مراکز پیش دانشگاهی

عادی - دولتی سازمان آموزش و پرورش شهر تهران و پیامدهای

تربیتی آن در سال تحصیلی ۸۵-۱۳۸۴

حسن حاجی‌زاده اناری^۱

چکیده

معلم‌ان یکی از الگوهای ارزشمند زندگی هر فردی هستند و آنان به واسطه‌ی همانندسازی دانش‌آموزان با الگوی مورد علاقه‌ی خویش می‌توانند در کسب و تغییر نظام ارزش‌های آنان نقش موثری را ایفا کنند. پژوهش حاضر در صدد پاسخگویی به این سه فرضیه بود: ۱- بین نظام معلم با نظام ارزش‌های دانش‌آموز رابطه وجود دارد. ۲- میزان علاقه‌ی دانش‌آموز نسبت به معلم با شکل‌گیری ارزش‌های دانش‌آموز ارتباط دارد. ۳- بین رشته‌های مختلف تحصیلی نظری در رابطه‌ی بین نظام ارزش‌های معلم با نظام ارزش‌های دانش‌آموز تفاوت وجود دارد. همچنین سؤالات دیگری مطرح گردید که آیا بین جنسیت، سواد والدین دانش‌آموز و سنین مختلف معلم‌ان در رابطه‌ی بین نظام ارزش‌های معلم و دانش‌آموز تفاوت سنی داری وجود دارد؟ در این پژوهش از پرسشنامه‌ی

۱. دانشجوی دکترای علوم سیاسی.

آلبورت، ورنون ولیندزی استفاده شد. پایایی آن برای ۳۰ نفر با روش آلفای کرنباخ محاسبه گردید. نمونه‌ی تحقیق مشتمل بر ۲۴۰ نفر دانش‌آموز دختر و پسر دوره‌ی پیش‌دانشگاهی شهر تهران بود که به طور تصادفی انتخاب شده بودند. این نمونه از دانش‌آموزان و ۸۰ معلم نامبرده شده توسط آنان به این پرسشنامه پاسخ دادند. اطلاعات جمع‌آوری شده با استفاده از روش‌های آماری ضریب همبستگی پیرسون، و آزمون‌های دو مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. نتایج حاصله نشان داد که بین نظام ارزش‌های معلم و دانش‌آموز با ضریب همبستگی ۰/۴۶ رابطه‌ی معنی‌دار وجود دارد. لیکن تفاوت میان رشته‌های مختلف نظری، جنسیت، میزان تحصیلات والدین و گروه‌های مختلف سنی معلم در رابطه‌ی بین نظام ارزش‌های معلم و دانش‌آموز معنی‌دار نیست. به عبارتی این متغیرها، عامل مؤثر در این رابطه نبوده‌اند.

علاوه بر این، جهت‌گیری ارزشی غالب دانش‌آموزان و معلمان آنان، نظری بوده است. یافته‌ی ضمنی دیگر این بود که نام معلم چهار واحد درسی فارسی، ریاضی، زیست‌شناسی و دینی که معلمان متخصص هر رشته‌ی تحصیلی بوده‌اند، توسط دانش‌آموزان عضو نمونه بیشتر انتخاب گردیده بود. بنابراین آنان به عنوان «معلمان حساس» در انتقال و کسب ارزش‌ها می‌توانند بحث‌های اخلاقی در مورد ارزش‌ها را شروع کنند. به طور کلی، دانش‌آموز هر رشته‌ی تحصیلی نظری از هر جنس و با هر میزان تحصیلات والدین و با هر سن معلم می‌تواند این رابطه‌ی نظام ارزشی را نشان دهد، به شرط آنکه از روی علاقه با معلم خویش الگوپردازی کند.

کلید واژه‌ها: ارزش‌های پذیرفته شده، نسل دوم و سوم انقلاب اسلامی، نظام ارزش‌ها، تعهد اجتماعی، نهاد آموزش و پرورش، تعهد سازمانی.

مقدمه

ارزش‌ها اختیارات واقعی و عکس‌العمل‌های احساس را مشخص می‌کنند، بنابراین ارزش‌ها به عنوان عامل تعیین‌کننده‌ی حالت‌های مطبوع و دلپذیر انسان‌ها هستند (لندی^۱، ۱۹۷۸ به نقل از بابایی).

از طرفی صرف‌نظر از این‌که هر فرد در چه جامعه‌ای متولد می‌شود، دارای ارزش‌ها و معیارهای مشخصی است که این ارزش‌ها در فرآیند تکامل خود به طرق مختلف به او منتقل شده است. لذا افراد از نظر شخصیتی یا اجتماعی، فرهنگی و سیاسی یک شیوه‌ی رفتاری را بر شیوه‌ی رفتاری دیگر ترجیح می‌دهند. بنابراین، این ارزش‌ها بر رفتارها، نگرش‌ها و علاقه‌های افراد اثر دارند و آنها را هدایت می‌کنند و باورداشت‌هایی را در مورد این‌که چه چیز مطلوب است و چه چیز اهمیت دارد، برای آنان به وجود می‌آورند (میچل^۲، ۱۳۸۷).

از آنجا که بررسی سلسله مراتب نظام ارزش‌های نسل دوم و سوم انقلاب اسلامی از اهداف اصلی این تحقیق است و این خصوصیت افراد هم از طریق یادگیری شکل می‌گیرد. همان‌طور که کودک از دوره‌ی کودکی وارد دوره‌ی بلوغ می‌شود و به تدریج به

1. Landy

2. Michel

صورت یک شخص بزرگسال درمی‌آید، میزان ارزش‌های او نیز رشد می‌کند، سپس ارزش‌ها و ایده‌آل‌های یک شخص دارای درجات و مراتب خاصی می‌گردد. هم‌چنان‌که شمیر^۱، هوس^۲ و آرتور^۳ (۱۹۹۳) به این‌که اساس رهبری کاریزمایی، جور شدن سلسله مراتب ارزش‌های نهفته درون نفس زیر دست با ارزش‌های رهبر است، عقیده دارند. اگر معلمان دارای ارزش‌های پایدار درونی شده‌ای باشند، با عمل و عکس‌العمل میان دانش‌آموزان و معلم شبکه‌ای از روابط را بین خود گسترش می‌دهند که نتیجه‌ی آن اثرات اجتناب‌ناپذیر اخلاقی در رفتار دانش‌آموزان است. احتمالاً در طی زمان می‌توان متوجه شد که دانش‌آموزان بر طبق ارزش‌های اخلاقی حاکم بر روابط غالب، رفتار می‌کنند. ارزش‌های فردی معلم، رفتار فردی دانش‌آموزان را در آن موضوعات شکل می‌دهد (شکرکن، ۱۳۷۷).

بنابراین هر نوع برنامه‌ریزی توسط مسئولان آموزش و پرورش که برای نقش ارزش‌ها و ساختارهای اعتقادی اهمیت قائل نشود، نقض خواهد شد (سرمد، ۱۳۷۷).

بیان مسئله

این نکته شایان ذکر است که با اهمیت دادن و عمل به ارزش‌هاست که زمینه‌ی ظهور هدایت فطری و اجماع و ارضای تمایلات و غرایز انسان از راه صحیح فراهم می‌شود (بابائی، ۱۳۷۲).

مسئله‌ی گسستگی نسلی که در سطوح نسلی مختلف وجود دارد، موجب اختلاف در نوع تعلیم و تربیت، روانشناسی، کنش‌ها و واکنش‌ها طبیعی و روحی می‌شود و اقتضائات طبقات سنی را آشکار می‌کند (محمد مددپور، ۱۳۷۲، نقل از سرمد، ۱۳۷۷).

1. shamir

2. House

3. Arthur

بر اساس این نگرش تمایز نسلی پدیده‌های طبیعی، فیزیولوژیک و پسیکولوژیک (جسمانی و روانی) آهنگی دائمی است و این تجربه‌های طبیعی همواره در حال وقوع هستند. از این منظر شاید تفاوت نسل دوم و سوم انقلاب اسلامی در میزان پایبندی به ارزش‌ها و التزام به نقش‌های اجتماعی - خانوادگی و فردی هنجار و واقعیتی طبیعی باشد، معمولاً نسل‌های جدید، بخش‌هایی از دیدگاه‌های نسل‌های قبلی را تعدیل می‌کنند یا تغییر می‌دهند ولی برخی مواقع این تغییر و تعدیل‌ها بسیار جدی است. در جامعه‌ی ما امروزه این دگرگونی تغییر نسل‌ها به دلایلی شتاب بیشتری پیدا کرده است. دامنه‌ی این شتاب که طبیعی به نظر می‌رسد، پیوسته سؤالاتی چند در ذهن مطرح می‌شود: این که آیا نسل دوم توانسته است، رسالت خویش را که انتقال ارزش‌ها و فرهنگ است به درستی و به نحو احسن انجام دهد و این که آیا نسل دوم یا نظام اجتماعی توانسته است به ارزش‌هایی که بر اثر تحولات تکنولوژیک، ارتباطی و اطلاعاتی به نسل سوم منتقل شود، غلبه کند. لذا با نظام پذیرفته شده‌ی نسل سوم در نهاد آموزش و پرورش را دارد. بنابراین، این مسئله بدین صورت عنوان می‌شود که:

- ۱- آیا بین نظام ارزش‌های پذیرفته شده‌ی نسل دوم و سوم انقلاب اسلامی ایران در نهاد آموزش و پرورش رابطه‌ای وجود دارد؟
- ۲- آیا بین گروه‌های سنی مختلف نسل سوم در رابطه‌ی بین نظام ارزش‌های پذیرفته شده و نسل دوم و سوم انقلاب اسلامی ایران در نهاد آموزش و پرورش تفاوت وجود دارد؟
- ۳- آیا بین نظام ارزش‌های پذیرفته شده‌ی نسل دوم و سوم با تعهد اجتماعی آنان رابطه‌ی معناداری وجود دارد؟

پیشینه‌ی تحقیقات

به منظور بررسی رابطه‌ی بین گرایش‌های ارزشی و تصمیم‌گیری مدیران دبیرستان‌ها تحقیقی توسط ادیبی، مسلمی و رجایی‌پور در شهر اصفهان (۱۳۷۸) انجام شده است. در این بررسی ارتباط میان گرایش‌های ارزشی بر اساس مدل ارزش‌های آلپورت و سبک‌های تصمیم‌گیری بر اساس الگوهای **تنهام، اسمیت و وروم** و **تیون** در زمینه‌ی تصمیم‌گیری مدیران انجام شده است، نتایج تحقیق روشن ساخت که میان گرایش‌های ارزشی (نظری، اقتصادی، اجتماعی، هنری، سیاسی و مذهبی) دبیران با سبک‌های تصمیم‌گیری (آمرانه، مشورتی و مشارکتی) آنها رابطه‌ی معنادار مثبت وجود دارد.

مدیران زن و مرد در زمینه‌ی به کارگیری سبک‌های تصمیم‌گیری به جز سبک مشورتی و گرایش نسبت به ارزش‌ها (به جز ارزش اجتماعی) و نیز تشکیل سیستم ارزشی خود عملکردی متفاوت داشتند.

اردوباری (۱۳۵۴) در بررسی خود برای «تعیین ارزشی دانشجویان» به این نتیجه رسید که میان دانشجویان ایرانی ارزش‌های نظری بیشتری به چشم می‌خورد و نیز گرایش به ارزش‌های اجتماعی و سیاسی در زمینه‌های بعدی برای دانشجویان مذکور مطرح بوده است.

تیموری (۱۳۷۳) در مطالعه‌ای برای «تعیین نظام ارزشی مدیران»، بر اساس الگوی گریور، به این نتایج دست‌یافت که بین گرایش‌های مدیران به طبقات مختلف ارزشی با ناحیه‌ی خدمتی و میزان تحصیلات آنها رابطه‌ی معنادار وجود ندارد ولی عامل جنسیت و سنوات خدمت، با ارزش‌های قبیله‌گرایی و نفوذگرایی این مدیران رابطه‌ی معکوس داشته است.

سلیمانی (۱۳۷۵) در تحقیق خود پیرامون رابطه‌ی گرایش‌های ارزشی با رفتار رهبری مدیران به این نتیجه دست‌یافت که به‌طور کلی، گرایش‌های ارزشی مدیران با رفتارهای رهبری آنها رابطه‌ی معناداری وجود ندارد.

تحقیقی توسط مرتضی زین‌آبادی (۱۳۷۶ به نقل از زارع ۱۳۷۷) برای «بررسی سلسله مراتب ارزشی پدران و پسران در شهر مشهد» انجام شد. نتایج این تحقیق حاکی از

آن است که:

- الف) میان سلسله مراتب ارزشی پدران و پسران در نمونه‌ی تحقیق تفاوت وجود دارد.
- ب) سلسله مراتب ارزشی پدر و پسر در میان مناطق مسکونی با هم شباهت دارند.
- ج) میان سلسله مراتب ارزشی پدران و پسران تفاوت وجود داشته است.
- د) میان ارزش‌های سیاسی اجتماعی، مذهبی پدران و ارزش‌های متناظر پسران ارتباط وجود داشته است.
- ه) چگونه سن و منشأ گروهی اثر معناداری بر ارزش‌های پسران نداشته است؟
تحقیقی توسط زارع (۱۳۷۷) با عنوان «بررسی ارتباط جهت‌گیری‌های ارزشی و تعهد سازمانی حوزه‌ی ستادی وزارت آموزش و پرورش» به عمل آمده است. نتایج تحقیق نشان داد که:
- ۱- بین جهت‌گیری‌های ارزشی سیاسی و مذهبی با تعهد سازمانی، رابطه‌ی مستقیم وجود دارد، به طوری که حدود ۳۲٪ از تغییرات تعهدات سازمانی افراد ناشی از جهت‌گیری‌های ارزشی سیاسی و مذهبی بوده است.
 - ۲- در مورد همبستگی بین تک‌تک جهت‌گیری‌های ارزشی اقتصادی و مذهبی با تعهد سازمانی رابطه‌ی معنادار به وجود آمده است.
 - ۳- در تعیین تفاوت بین میانگین نمرات تعهد سازمانی و متغیرهای مدرک تحصیلی، رشته‌ی تحصیلی، پست سازمانی و سنوات خدمت چنین نتیجه‌گیری شد که بین میانگین تعهد سازمانی با متغیرهای رشته و مدرک تحصیلی تفاوت معنادار است.
 - ۴- بین میانگین نمرات ارزش‌های اقتصادی، سیاسی و مذهبی با مدرک تحصیلی رابطه‌ی معنادار وجود دارد.
 - ۵- میانگین جهت‌گیری‌های ارزش شش‌گانه‌ی کارکنان با رشته‌ی تحصیلی مختلف یکسان است، به این معنی که دلایل قابل توجهی از نظر آماری برای تفاوت بین نمره‌ی ارزش‌ها با توجه به رشته‌های تحصیلی به دست نیامده است.
 - ۶- میانگین جهت‌گیری‌های ارزش شش‌گانه‌ی کارکنان با رشته‌ی تحصیلی مختلف یکسان است، به این معنی که دلایل قابل توجهی از نظر آماری برای تفاوت بین نمره‌ی

ارزش‌ها با توجه به رشته‌ی تحصیلی به دست نیامده است.

۷- سلسله مراتب ارزشی کارکنان حوزه‌ی ستادی وزارت آموزش و پرورش به ترتیب سیاسی نظری، اقتصادی، مذهبی، اجتماعی، زیباشناسی است. مطالعه‌ای برای هنجاریابی آزمون نظام ارزشی دانشجویان در بررسی رابطه‌ی این نظام با پیشرفت تحصیلی و سلامت روانی آنان توسط احمدی (۱۳۶۷) انجام شده است. در این تحقیق نشان داده شده است که سلسله مراتب ارزش‌ها در دانشجویان به ترتیب عبارت است از: خیرخواهی مذهبی، وجه اجتماعی، ارزش‌گرایی، هنری، قدرت اقتصادی همچنین جنسیت و نظام ارزشی دانشجویان رابطه وجود داشت. دانشجویان مؤنث در ارزش مذهبی و هنری نسبت به گروه مذکر برتری نشان دادند و دانشجویان مذکر در ارزش‌های اقتصادی و قدرت در وضعیت بالاتری قرار داشتند. همچنین نظام ارزشی در گروه‌های چهارگانه‌ی تحصیلی (علوم پایه، انسانی، مهندسی و هنری) با یکدیگر تفاوت می‌کند. همین‌طور وجود رابطه بین نظام ارزشی با سلامت روانی و پیشرفت تحصیلی نیز مورد تأیید قرار گرفته است. مطالعاتی توسط محمدی (۱۳۷۷) انجام شده که در این تحقیق به «بررسی رابطه‌ی بین ارزش‌های سازمانی و احساس معلمان از محیط مدرسه» پرداخته است که:

الف) رابطه‌ی منفی بین پیوند بوروکراتیک با احساس دبیران از محیط مدرسه وجود دارد.

ب) رابطه‌ی مثبت بین پیوند فرهنگی با احساس دبیران از محیط مدرسه وجود دارد.

ج) مؤثرترین پیوند در بروز احساسات دبیران فرهنگی است.

د) تعامل پیوند بوروکراتیک و فرهنگی بر احساس کلی و احساس هم‌گروهی دبیران تأثیر مثبت و معنادار و بر تعهد، رضایت و احساس نظم آنها تأثیر معناداری ندارد. آلپورت، ورنون، لیندزی (۱۹۳۱) در اولین اولویت پژوهش خود درباره‌ی ارزش‌ها به این نتیجه دست یافتند که دختران از لحاظ ارزش‌های هنری، اجتماعی و دینی در وضعیت بالاتری قرار دارند در صورتی که پسران در ارزش‌های اقتصادی، سیاسی و نظری اولویت بالاتری به دست آوردند.

مواد و روش‌ها

جامعه‌ی آماری نسل دوم در این تحقیق را کلیه‌ی دانش‌آموزان دختر و پسر شاغل به تحصیل در مراکز پیش‌دانشگاهی عادی در مناطق نوزده‌گانه‌ی تهران تشکیل می‌دهد که در سه رشته‌ی ریاضی و فیزیک، علوم تجربی و علوم انسانی ادامه‌ی تحصیل می‌دهند. جامعه‌ی آماری نسل دوم این تحقیق را کلیه‌ی معلمان رسمی و غیررسمی مراکز پیش‌دانشگاهی دخترانه و پسرانه‌ی عادی شهر تهران تشکیل می‌دهند که از نظر سنی در دوره‌ی سنی بین ۳۰ تا ۴۵ سال قرار دارند. افرادی که حداقل ۱۰ سال از جامعه‌ی آماری نسل سوم تحقیق تفاوت سنی دارند که می‌تواند گویای تفاوت نگرش‌ها و بینش‌های فردی، خانوادگی و اجتماعی باشند.

روش نمونه‌گیری

در تحقیق حاضر از طرح نمونه‌گیری خوشه‌ای دو مرحله‌ای استفاده می‌شود. در نمونه‌گیری خوشه‌ای باید مشخص نمود که تعداد نمونه در هر یک از مناطق سه‌گانه‌ی انتخاب شده به چه تعداد است و بر این اساس از آنجا که سه منطقه‌ی سه، دوازده و نوزده در شهر تهران به عنوان سه طبقه، شامل قشر بالا، متوسط و پایین جامعه‌ی تهران هستند، انتخاب شده‌اند. لذا به هر منطقه سهمی مساوی اختصاص داده‌ایم که بدین ترتیب تعداد ۴۰ دانش‌آموز دختر در هر یک از مناطق سه‌گانه‌ی مورد بررسی قرار می‌گیرند و تعداد ۴۰ دانش‌آموز پسر نیز در هر یک از مناطق سه‌گانه‌ی مورد بررسی قرار گرفتند. حجم نمونه‌ی نمایندگان نسل دوم انقلاب اسلامی شاغل در مراکز پیش‌دانشگاهی شهر تهران را کلیه‌ی دبیران شاغل در این مراکز نمونه تشکیل می‌دهند که در دوره‌ی سنی ۳۰-۴۰ سال قرار می‌گیرند. جهت جلوگیری از بروز مشکلات اجرایی در حین تکمیل پرسشنامه‌ها توسط عوامل آموزشی و اجرایی در واحدهای آموزشی خوشه‌ای که مورد بررسی قرار می‌گیرند با همکاری مدیریت محترم این مراکز و مسئول امور دفتری و پرسنلی آن آمار افرادی که در این دوره‌ی سنی مشغول فعالیت‌های

پاره‌وقت و تمام وقت بودند، استخراج و متناسب با روزهای فعالیت آنها در این مراکز پرسشنامه بین تمامی آنان توزیع شده و تکمیل می‌گردد که البته مراجعات مکرر در طول ایام هفته جهت دستیابی به تمامی نمونه‌های نسل دوم مراکز فوق از مشکلات و محدودیت‌های طرح تحقیقی است.

برای جمع‌آوری اطلاعات در این تحقیق از پرسشنامه مطالعه‌ی ارزش‌های آلپورت، لیندزی، ورنون که پرسشنامه‌ی ارزش‌سنجی موجود و در دسترس که هنوز بعد از سالیان متمادی مورد پذیرش اکثر صاحب‌نظران علوم رفتاری قرار داد، استفاده شد؛ این پرسشنامه شامل دو بخش بود که بخش اول آن دارای ۳۰ سؤال دوگزینه‌ای و بخش دوم ۱۵ سؤال چهارگزینه‌ای که نیاز به اولویت‌گذاری داشت. پرسشنامه مطالعه‌ی رفتاری ارزش‌ها اهمیت نسبی شش ارزش یا انگیزه‌های اساسی در شخصیت را می‌سنجد، این ارزش‌ها عبارتند از: نظری یا علمی، اقتصادی، هنری، اجتماعی، سیاسی و مذهبی.

بر اساس این ارزش‌ها نوع شخصیت افراد مشخص می‌شود یا به عبارتی ارزش‌های شش‌گانه‌ی فرد را به ترتیب نشان می‌دهد. بنابراین گزینه‌های پرسشنامه‌ی مذکور ارزش‌ها را به ۶ گروه طبقه‌بندی می‌کند و نمره‌های فرد در هر گروه مشخص است. همچنین در این پژوهش نمره‌ی بیشتر یعنی ارزش غالب دانش‌آموز ملاک مقایسه با ارزش غالب معلم او قرار گرفت به دلیل آنکه بیشترین ترجیحات فرد را نشان می‌دهد و به آن از طریق تفکر و در نتیجه رفتار می‌کند.

روایی و پایایی پرسشنامه

پرسشنامه SOV به دلایل زیر از روایی لازم برخوردار است:

۱- این پرسشنامه از طریق سه تن از صاحب‌نظران معروف علوم رفتاری به نام‌های آلپورت، ورنون و لیندزی ساخته شده است.

۲- پرسشنامه در سال‌های مختلف توسط مبدعان آن مورد تجدیدنظر و اصلاح قرار گرفته است.

۳- پرسشنامه در تحقیقات رساله‌های دکتری در داخل کشور و خارج کشور در زمینه‌های مختلف به کار برده شده است. همچنین بعضی لغات و اصطلاحات آن با فرهنگ کشور تاحدی سازگار شده است.

۴- پرسشنامه به تأیید اساتید راهنما و مشاور رسیده است.

۵- ضرایب پایانی بالا در سال‌های مختلف و در بررسی و تحقیقات گوناگون نشان‌دهنده‌ی روایی بالای این پرسشنامه نیز است. ضرایب پایایی SOV در سال ۱۹۳۱ یعنی اولین سال ارائه‌ی آن و همچنین در سال‌های مختلف سنجیده شده است. از طریق محاسبه‌ی ضریب همبستگی بین نتایج اجرای چاپ‌های ۱۹۳۱ و ۱۹۵۱ که به فاصله‌ی دو هفته برای یک نمونه‌ی ۵۰ نفری از دانشجویان برآورد شده و از نظر آماری معنادار بوده است.

محقق در آذر ۱۳۸۴ در یک مطالعه‌ی مقدماتی، پرسشنامه را به گروه ۳۰ نفری از دانش‌آموزان و معلمان آنان در مراکز پیش‌دانشگاهی شهر تهران ارائه و پس از گذشت یک ماه مجدداً پرسشنامه به همان نمونه تحویل داده شد. در هر دو بار تمامی پاسخ‌ها دریافت گردید و ضریب پایایی توسط فرمول پایایی آلفا-کرنباخ محاسبه گردید.

متغیرهای مورد مطالعه در این تحقیق عبارت بودند از: متغیر مستقل نظام ارزش‌های معلم، جنسیت، رشته‌ی تحصیلی، میزان تحصیلات یا سواد والدین دانش‌آموز، سن معلم و متغیر وابسته شامل نظام ارزشی دانش‌آموز و تطابق غالب دانش‌آموز یا تیپ ارزشی دانش‌آموز با ارزش غالب معلم یا تیپ ارزشی^۱ معلم بودند. در این بررسی با توجه به فرضیه و سؤالات پژوهش از آمارهای ذیل استفاده گردید:

۱- به منظور بررسی رابطه‌ی بین نظام ارزش‌های معلم و نظام ارزش‌های دانش‌آموز از ضرایب همبستگی پیرسون استفاده گردید.

۲- به منظور بررسی تأثیر رشته‌ی تحصیلی دانش‌آموز بر رابطه‌ی بین نظام ارزش‌های

معلم و نظام ارزش‌های دانش‌آموز از آزمون‌های دو استفاده گردید.

- ۳- جهت بررسی تأثیر جنسیت بر رابطه‌ی بین نظام ارزش‌های معلم و نظام دانش‌آموز از آزمون‌های گروه‌های مستقل استفاده شد.
- ۴- برای تعیین تأثیر معلم بر رابطه‌ی بین نظام ارزش‌های معلم و نظام دانش‌آموز، آزمون‌های دو مورد استفاده گرفت.

داده‌های پژوهش

هدف اساسی از مطالعه اخیر، بررسی رابطه‌ی بین نظام ارزش‌های نسل دوم (معلم) و نظام ارزش‌های نسل سوم (دانش‌آموز) بوده است. اهداف این پژوهش عبارتند از:

- ۱- بررسی تفاوت میان رشته‌های مختلف تحصیلی نظری شامل: ریاضی - فیزیک، علوم تجربی، ادبیات و علوم انسانی دوره‌ی متوسطه و در رابطه‌ی بین نظام ارزش‌های نسل دوم و نسل سوم.
 - ۲- بررسی تأثیر جنسیت دانش‌آموزان در رابطه‌ی بین نظام ارزش‌های معلم و نظام ارزش‌های دانش‌آموز.
 - ۳- مطالعه‌ی تأثیر سن معلم بر رابطه‌ی بین نظام ارزش‌های معلم و نظام دانش‌آموز.
 - ۴- تعیین تأثیر میزان سواد والدین دانش‌آموز و رابطه‌ی آن با نظام ارزش‌های معلم و نظام ارزش‌های دانش‌آموز در این پژوهش سواد والدینی دانش‌آموز به صورت میزان تحصیلات آنها در نظر گرفته شد. نتایج آماری مربوط به هر یک از آنها به ترتیب ارائه می‌گردند.
- ۱- به منظور بررسی رابطه‌ی بین نظام ارزش‌های معلمان با نظام ارزش‌های دانش‌آموزان از ضریب همبستگی پیرسون بین نمرات به دست آمده از دانش‌آموز و از معلم مورد علاقه‌ی او استفاده شد. همچنین به دلیل آنکه شاخص شدن افراد نمونه و معلمان آنان در یکی از زیرگروه‌های ارزشی که بیشترین نمره را به خود اختصاص داده بود، ملاک مقایسه‌های بعدی قرار داده شده بود، از ضریب همبستگی بین تیپ ارزشی غالب معلم و تیپ ارزشی غالب دانش‌آموز برای تعیین تطابق آن دو استفاده شد.

جدول شماره‌ی ۱: فراوانی و درصد کل آزمودنی‌ها بر حسب جنس و رابطه‌ی تیپ ارزش غالب معلم یا دانش‌آموز

عدم تطابق		تطابق		رابطه‌ی تیپ ارزشی معلم با دانش‌آموز	جنسیت
درصد	فراوانی	درصد	فراوانی		
۴۰	۴۸	۶۰	۷۲		پسر
۵۲/۵	۶۳	۴۷/۵	۵۷		دختر
۴۶/۳	۱۱۱	۵۳/۸	۱۲۹		جمع کل

با توجه به نتایج جدول بالا اکثر دانش‌آموزان گروه نمونه از جنس پسر با ۶۰٪ بودند که بیشترین تطابق را با تیپ ارزشی معلم دارند.

جدول شماره‌ی ۲: فراوانی و درصد کل دانش‌آموزان عضو گروه نمونه با توجه به جهت‌گیری ارزشی آنان

رتبه	درصد	فراوانی	جهت‌گیری ارزشی دانش‌آموزان
۱	۳۳/۸	۸۱	نظری
۴/۵	۱۰	۲۴	اقتصادی
۳	۱۶/۳	۳۹	هنری
۴/۵	۱۰	۲۴	اجتماعی
۲	۲۲/۵	۵۴	سیاسی
۶	۷/۵	۱۸	مذهبی
-	۱۰۰	۲۴۰	جمع کل

با توجه به نتایج جدول بالا اکثر دانش‌آموزان دارای جهت‌گیری نظری با ۳۳/۸ درصد بودند و کمترین آنان دارای جهت‌گیری مذهبی هستند که ۷/۵٪ گروه نمونه را به خود اختصاص داده است.

جدول شماره‌ی ۳: فراوانی و درصد کل معلمان عضو نمونه با توجه به جهت‌گیری ارزشی آنان

جهت‌گیری ارزشی دانش‌آموزان	فراوانی	درصد	رتبه
نظری	۹۶	۴۰	۱
اقتصادی	۹	۳/۸	۵/۵
هنری	۳۳	۱۳/۸	۴
اجتماعی	۴۲	۱۷/۵	۳
مذهبی	۹	۳/۸	۵/۵
جمع کل	۲۴۰	۱۰۰	

باتوجه به جدول بالا اکثر معلمان نیز همانند دانش‌آموزان دارای جهت‌گیری نظری می‌باشند و جهت‌گیری مذهبی و اعتقادی را به خود اختصاص داده است.

جدول شماره‌ی ۴: درصد افراد عضو نمونه برحسب رشته‌ی تحصیلی و رابطه‌ی تیپ ارزشی معلم و دانش‌آموز

رشته تحصیلی	تطابق	عدم تطابق	جمع
ریاضی فیزیک	۵۳/۸	۴۶/۲	۱۰۰
علوم تجربی	۴۶/۷	۵۳/۳	۱۰۰
ادبیات و علوم انسانی	۶۲/۵	۳۷/۵	۱۰۰
جمع	۵۳/۸	۴۶/۲	۱۰۰

چنان‌که در جدول شماره‌ی ۴ مشاهده می‌شود از بین رشته‌های تحصیلی نظری، افراد نمونه‌ی رشته‌ی ادبیات و علوم انسانی تطابق تیپ ارزش با تیپ ارزشی معلم، بیشتری از خود نشان دادند. آزمودنی‌های رشته‌ی ریاضی - فیزیک و علوم تجربی به ترتیب در سطوح پایین‌تر قرار دارند. این جدول اشاره به آن دارد که چند درصد آزمودنی‌ها تطابق تیپ ارزشی و چند درصد عدم تطابق با تیپ ارزشی معلمان مورد علاقه خود دارند.

جدول شماره‌ی ۵: آزمون‌خی‌دو جهت مقایسه‌ی رشته‌های تحصیلی نظری برحسب رابطه‌ی تیپ ارزشی معلم با دانش‌آموز

P	درجه آزادی	χ^2	جمع	تطابق		تطابق		رابطه‌ی تیپ ارزشی معلم با دانش‌آموز رشته‌ی تحصیلی
				فراوانی مورد انتظار	فراوانی مشاهده	فراوانی مورد انتظار	فراوانی مشاهده	
-	۲	۱/۳۴	۷۸	۳۶	۴۲	۴۲	۴۲	ریاضی فیزیک
			۹۰	۴۲	۴۲	۳۸	۴۲	علوم تجربی
			۷۲	۳۳	۲۷	۳۹	۴۵	ادبیات و علوم انسانی
			۲۴۰	۱۱۷	۱۱۱	۱۲۹	۱۲۹	جمع

با توجه به جدول بالا و χ^2 محاسبه شده با $df=۲$ $\chi^2=۱/۳۴$ تفاوت معناداری بین تیپ ارزشی معلم و دانش‌آموز با توجه به رشته‌های تحصیلی مختلف وجود ندارد. بنابراین نمی‌توان تفاوتی بین تطابق یا عدم تطابق بین دو گروه مشاهده نمود.

جدول شماره‌ی ۶: آزمون تی برای گروه‌های مستقل جهت مقایسه‌ی میانگین‌های رابطه‌ی نظام ارزش‌های معلم با دانش‌آموز

p	درجه آزادی	t	انحراف استاندارد	میانگین	تعداد	متغیر	نوع عامل
۰/۵	۲	۰/۱۳	۱/۷۸	۲/۹۰	۱۲۰	پسر	رابطه‌ی تیپ ارزشی معلم با دانش‌آموز
			۱/۷۸	۲/۸۵	۱۲۰	دختر	

با توجه به نتایج جدول شماره‌ی ۶ و $T=۰/۱۳$ محاسبه شده با $df=۲$ تفاوتی بین میانگین نمرات دو جنسی در رابطه با تیپ ارزشی معلم - دانش‌آموز وجود ندارد، بدین صورت که دانش‌آموزان در هر دو جنس قادرند خود را با نظام ارزشی معلم تطابق دهند. ولی در عین حال نمرات میانگینی پسران $x=۲/۹۰$ بیشتر از میانگین نمرات دختران است.

جدول شماره‌ی ۷: آزمون خی^۲ جهت مقایسه‌ی سنین متفاوت معلمان در زمینه‌ی رابطه‌ی تیپ ارزشی معلم با دانش‌آموز

P	درجه‌ی آزادی	χ^2	جمع	عدم تطابق		تطابق		رابطه‌ی تیپ ارزشی معلم با دانش‌آموز سن معلم
				فراوانی مورد انتظار	فراوانی مشاهده	فراوانی مورد انتظار	فراوانی مشاهده	
-	۳	۱/۴۸	۱۷	۸	۶	۹	۱۱	۳۰-۳۵
			۵۷	۲۶	۲۸	۳۱	۲۹	۳۶-۴۰
			۶	۳	۳	۳	۳	۴۰-۴۵
			۸۰	۳۷	۳۷	۴۳	۴۳	جمع

با توجه به نتایج جدول فوق که درصد افراد نمونه را نشان می‌دهد که با معلمان سنین متفاوت تطابق یا عدم تطابق تیپ ارزشی داشته‌اند.

نتایج به دست آمده حاکی از آنند که اولاً: سن معلم بر رابطه‌ی نظام ارزش‌های معلم و نظام ارزش‌های دانش‌آموز تأثیری ندارد؛ به عبارتی، دانش‌آموز ممکن است از هر سن معلمی الگوپردازی کنند.

ثانیاً: گروه سنی ۳۶ تا ۴۵ سال معلمان که اکثر دانش‌آموزان یعنی ۵۷ نفر (۳/۷۱ درصد کل آزمودنی‌ها را شامل می‌شدند) از آنان نامبرده شده بود در ۲/۵۲ درصد موارد تطابق تیپ ارزشی و ۸/۴۷ درصد موارد عدم تطابق تیپ ارزشی نشان دادند.

جدول شماره‌ی ۸: آزمون χ^2 جهت مقایسه‌ی تحصیلات پدر افراد عضو نمونه برحسب رابطه‌ی تیپ ارزشی معلم و دانش‌آموز

P	درجه‌ی آزادی	X^2	جمع	عدم تطابق		تطابق		رابطه‌ی تیپ ارزشی معلم با دانش‌آموز
				فراوانی مورد انتظار	فراوانی مشاهده	فراوانی مورد انتظار	فراوانی مشاهده	
			۴۳	۱۷	۸	۲۳	۲۵	زیر دیپلم
	۳	۱/۴۸	۲۰	۹	۱۳	۱۱	۷	دیپلم
			۱۳	۶	۱۲	۷	۱	فوق لیسانس و لیسانس
			۴	۲	۴	۲	-	فوق لیسانس و دکترا
			۸۰	۳۷	۳۷	۴۳	۴۳	جمع

باتوجه به نتایج جدول بالا و X^2 محاسبه شده با درجه‌ی آزادی $df=3$ هر چه سطح تحصیلات والدین (پدر) از فرزندان متفاوت و بیشتر است میزان تطابق ارزش‌های آنها نیز متفاوت می‌شود و هر چه والدین از سطح تحصیلات پایین‌تری برخوردار باشند، از میزان تطابق و همخوانی با فرزندان برخوردار می‌شوند.

جدول شماره‌ی ۹: درصد آزمودنی‌ها برحسب تحصیلات مادر و رابطه‌ی تیپ ارزشی معلم و دانش‌آموز

جمع	عدم تطابق	تطابق	رابطه‌ی تیپ ارزشی معلم و دانش‌آموز	تحصیلات مادر
				زیر دیپلم
۱۰۰	۳۵/۱	۶۴/۹		دیپلم
۱۰۰	۵۰	۵۰		فوق دیپلم و لیسانس
۱۰۰	۷۸/۹	۲۱/۱		فوق لیسانس و دکترا
-	-	-		جمع
۱۰۰	۴۶/۳	۵۳/۸		

باتوجه به نتایج جدول شماره‌ی ۹ مادران گروه نمونه اکثر آنان دارای تحصیلات زیر دیپلم هستند که در سطوح ارزشی با ۶۴/۹٪ تطابق با دانش‌آموزان داشتند. بنابراین هرچه مادران از سطوح تحصیلی پایین‌تری برخوردار باشند، از میزان تطابق بیشتری با فرزندان برخوردار می‌گردند.

جدول شماره‌ی ۱۰: فراوانی و درصد کل افراد نمونه برحسب انتخاب معلمان و واحد درسی

ادبیات و علوم انسانی		علوم تجربی		ریاضی - فیزیک		معلم واحد درسی نامبرده	رشته تحصیلی
فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد		
۲۹/۲	۷	۶/۷	۲	۳۰/۸	۸	فارسی	
۲۹/۲	۷	۱۰	۳	۱۵/۴	۴	دینی	
۴/۲	۱	۱۳/۳	۴	۳۸/۵	۱۰	ریاضی	
۴/۲	۱	۴۰	۱۲	۳/۸	۱	زیست‌شناسی	
۱۲/۵	۱	۲۰	۶	۳/۸	۱	شیمی	
۱۲/۵	۳	-	-	۳/۸	۱	تاریخ	
۴/۲	۱	۶/۷	۲	۳/۸	۱	عربی	
۴/۲	۱	۳/۳	۱	-	-	فیزیک	
۸/۳	۲	-	-	-	-	انگلیسی	
۱۰۰	۲۴	۱۰۰	۳۰	۱۰۰	۲۶	جمع کل	

نتایج حاصله از جدول اشاره به آن دارد که آزمودنی‌های رشته‌ی ریاضی، بیشتر نام معلم واحد درسی ریاضی، رشته‌ی علوم تجربی بیشتر نام معلم واحد درسی زیست‌شناسی و رشته‌ی ادبیات علوم انسانی بیشتر نام معلم واحد درسی فارسی و دینی را ذکر کرده‌اند. بنابراین در هر رشته‌ی تحصیلی، معلمان تخصصی آن رشته نیز بیشتر مورد علاقه‌ی دانش‌آموزان عضو نمونه بوده است.

خلاصه‌ی یافته‌ها

باتوجه به هدف و سؤالات پژوهش، نتایج حاصل از این بررسی به‌طور خلاصه عبارتند از:

۱- بین نظام ارزش‌های معلم و نظام ارزش‌های دانش‌آموز با ضریب همبستگی $0/46$ رابطه‌ی معنی‌دار وجود دارد. (تغییر در واریانس ارزش‌های معلم در $0/21$ موارد با تغییر در واریانس ارزش‌های دانش‌آموز همراه است)

۲- تفاوت میان رشته‌های تحصیلی نظری شامل: ریاضی - فیزیک، علوم تجربی، ادبیات علوم انسانی در رابطه‌ی بین نظام ارزش‌های دانش‌آموز معنی‌دار نیست. آزمودنی‌های همه‌ی رشته‌های موردنظر، معلم مورد علاقه‌ی خود را در زمینه‌ی ارزش‌ها الگو قرار می‌دهند.

۳- تفاوت میان میانگین نمرات دختران و پسران در تطابق تیپ ارزشی معلم با تیپ ارزشی دانش‌آموز معنی‌دار نیست. هم دختران و هم پسران عضو نمونه از نظام ارزشی معلم مورد علاقه‌ی خود تأثیر می‌پذیرند. میانگین گروه پسران در این زمینه بیشتر بوده است. پسران کمی بیشتر از دختران تطابق تیپ ارزشی با معلم مورد علاقه‌ی خود نشان داده‌اند.

۴- تفاوت میان سنین متفاوت معلم در تطابق تیپ ارزشی معلم با تیپ ارزشی دانش‌آموز معنی‌دار نیست. به عبارت دیگر، دانش‌آموزان، معلمان با سنین متفاوت را در زمینه‌ی ارزش‌ها الگوی خود قرار داده‌اند. در این پژوهش تیپ ارزشی آزمودنی‌ها بیشتر با تیپ ارزشی معلمان سنین 36 تا 45 تطابق دارد.

۵- تفاوت میان تحصیلات مختلف پدر و مادر در رابطه‌ی بین نظام ارزش‌های معلم و دانش‌آموز معنی‌دار نیست. دانش‌آموز عضو نمونه با تحصیلات متفاوت پدر و مادر، معلم مورد علاقه‌ی خود را در زمینه‌ی ارزش‌ها الگو قرار می‌دهند. یک رابطه‌ی منفی و معکوس بین سواد والدین و تطابق تیپ ارزشی معلم با دانش‌آموز یافت شده است. بدین معنا که آزمودنی‌هایی با میزان تحصیلات کمتر پدر و مادر، بیشترین تطابق تیپ ارزشی با

معلم را نشان داده‌اند و بالعکس.

۶- به طور کلی، بیشترین جهت‌گیری ارزشی آزمودنی‌ها و معلمان آنان را ارزش نظری و کمترین درصد جهت‌گیری ارزشی را ارزش مذهبی نشان دادند. فراوانی تیپ ارزشی دانش‌آموزان به ترتیب عبارت است از: ارزش‌های نظری، سیاسی و هنری، اقتصادی - اجتماعی، مذهبی و فراوانی تیپ ارزشی معلمان به ترتیب عبارت است از: ارزش‌های نظری، سیاسی، اجتماعی، هنری، اقتصادی و مذهبی.

۷- عموماً، دانش‌آموزان از بین دبیران تمامی واحدهای درسی خود از دبیران فارسی، ریاضی، دینی و زیست‌شناسی بیشتر نام برده‌اند. به عبارتی، دانش‌آموزان هر رشته‌ی تحصیلی تقریباً بیشتر نام معلم تخصصی آن رشته را اعلام کرده است. آزمودنی‌های رشته‌ی ریاضی بیشتر معلمان درس ریاضی، رشته‌ی علوم تجربی، بیشتر معلمان درس زیست‌شناسی و رشته‌ی ادبیات و علوم انسانی، بیشتر نام دبیر درس فارسی و دینی را به طور مساوی ذکر کرده‌اند.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف از پژوهش حاضر بررسی رابطه‌ی بین نظام ارزش‌های معلم (نماینده‌ی نسل دوم) و نظام ارزش‌های دانش‌آموز (نماینده‌ی نسل سوم) فرض بر آن قرار گرفته شده بود که دانش‌آموزان از نظام ارزش‌های معلم، به جهت آن که اولاً: یکی از وظایف مدرسه جامعه‌پذیرکردن افراد است و ثانیاً: معلم خود، بنابر رابطه‌ی استاد - شاگردی نقش بسزایی در تشکیل شخصیت و در نتیجه ارزش‌های زیردستان خود دارد، تأثیر می‌پذیرند. بنابراین با استفاده از پرسشنامه sov (مطالعه‌ی ارزش‌های آلپورت - ورنون نو لیندزی) که شامل ۴۵ سؤال بوده و انگیزه‌های شخصیتی افراد را به شش زیرگروه ارزشی معلم تطابق داده شد. نتایج حاصل از این تحقیق با استفاده از این تطابق تیپ ارزشی دانش‌آموز و معلم مورد بحث و بررسی قرارگیرد:

الف) در ابتدا فرضیه‌ی پژوهشی که عبارت بوده از: بررسی رابطه‌ی بین نظام معلم با نظام ارزش‌های دانش‌آموز مورد سنجش قرار گرفت. نتیجه آن شد که تیپ ارزشی ۵۳/۸ درصد افراد آزمودنی با تیپ ارزشی معلم خود تطابق دارد و ۴۶/۳ درصد افراد نمونه این تطابق را نشان ندادند. بنابراین نتایج حاصله به این موضوع اشاره داشتند که بین نظام معلم و نظام ارزش‌های دانش‌آموز رابطه‌ی معنی‌دار وجود دارد. بدین معنا که بعضی دانش‌آموزان با الگو قرار دادن معلم مورد علاقه‌ی خود، از رفتار اخلاقی او متأثر شده و سعی بر درون‌سازی نظام ارزش‌های معلم دارند.

ب) در بررسی تفاوت میان رشته‌های تحصیلی نظری شامل رشته‌ی ریاضی - فیزیک، علوم تجربی، ادبیات و علوم انسانی در رابطه‌ی بین نظام ارزش‌های معلم و نظام ارزش‌های دانش‌آموز نتایج نشان داد که بین رشته‌های مختلف تحصیلی در این زمینه تفاوت معنی‌دار وجود ندارد و به عبارت دیگر، دانش‌آموزان رشته‌های مختلف، معلم مورد علاقه‌ی خود را به عنوان یک رهبر اخلاقی انتخاب کرده، از کردار و رفتار او تأثیر پذیرفته و سعی در همانندسازی خویش با ایشان دارند. همچنین نتایج به دست آمده حاکی از آن است که آزمودنی‌های رشته‌ی ادبیات و علوم انسانی بیشتر از دیگر رشته‌ها

تطابق تیپ ارزشی با معلم خود نشان دادند. بر طبق تحقیقات انجام یافته در مورد رابطه‌ی استاد-شاگردی، اساتیدی که فعالیت گسترده در حیطه‌ی روانی-اجتماعی انجام داده‌اند و به رشد مفهوم خود یا تصور از خود مثل شایستگی، هویت و اخلاق کمک بیشتری می‌کنند، از طرف شاگردان مقبول‌ترند که این موضوع در گسترش رابطه‌ی استاد-شاگردی بسیار مؤثر است، و هرچه رابطه نزدیک‌تر و غیر رسمی‌تر باشد، ارشادات یک استاد به ویژه از لحاظ اخلاق تأثیر بیشتری در انتقال ارزش‌های خویش به شاگردان خود خواهد گذاشت. بنابراین، از آنجاکه رشته‌ی علوم انسانی بیش از سایر رشته‌هایی که با حوزه‌های علوم پایه سروکار دارند و پیروی از ساختار دانش که آن هم روابط رسمی بر آن حاکم است، پیروی می‌کنند، با حوزه‌های علوم رفتاری و عاطفی سروکار دارد؛ به همین دلیل درصد بیشتری را به خود اختصاص داده است.

ج) در تعیین تفاوت میان دختران و پسران در رابطه‌ی بین تیپ ارزشی معلم با تیپ ارزشی دانش‌آموز، چنین نتیجه حاصل شد که میان آن دو تفاوت معنی‌دار وجود ندارد. به عبارت دیگر، جنسیت به عنوان یک عامل، تأثیری بر رابطه‌ی بین نظام ارزش‌های دانش‌آموز و معلم ندارد. بنابراین دانش‌آموزان از هر جنس سعی در همانندسازی برای درونی‌ساختن ارزش‌ها، از معلم مورد علاقه‌ی خود دارند. همچنین این میانگین برای پسرها کمی بیشتر از دخترها به دست آمده است که شاید علت آن این باشد که پسرها و دخترها در دوران کودکی و در مراحل رشد خود با والد همجنس همانندسازی می‌کنند و سعی دارند که مانند او شوند تا بعداً مرد و زن دیگری را جانشین پدر یا مادر خود کنند. اکثر مادران این آزمودنی‌ها به علت عدم اشتغال در محیط کاری، در خانه حضور دارند و دختران بیشتر تحت کنترل و ارشادات مادران خود قرار می‌گیرند؛ همچنان که غالب تحقیقات حاکی از آنند که افراد تا پایان دوره‌ی نوجوانی نگرش‌ها و باورهای، بسیار شبیه به نگرش‌ها و باورهای عضوی از خانواده‌ی خود که تماس بیشتری با آن دارند، نشان می‌دهند. در حالی که پسران از پدران خود الگوی نقش بزرگسال را می‌گیرند و این پدران به علت مشغله‌ی کاری کمتر در خانه حضور دارند. در عین حال همان گونه که

تحقیقات بسیاری نشان می‌دهند، فقدان پدر ظاهراً اثری فوری‌تر بر رشد شخصیت پسران دارد، بنابراین بیشتر از دختران سعی خواهند نمود که الگوی خود را بیرون از خانه بیابند، هنگامی که در جستجوی الگوی خود، معلم مدرسه را دوستانه بیابد، پذیرش معلم به عنوان فردی که در انتقال ارزش‌ها و جامعه‌پذیری نقش دارد، صورت می‌گیرد.

د) در سنجش تفاوت میان سنین مختلف معلمان در رابطه‌ی بین نظام ارزش‌های معلم و نظام ارزش‌های دانش‌آموز، نتایج نشان می‌دهد که این تفاوت‌ها معنی‌دار نیست. به عبارتی ممکن است هر معلمی با هر سنی می‌تواند به صورت الگو و سرمشق قرارگیرد به شرط آنکه دانش‌آموز، او را کانون محبت و علاقه خویش بیابد. بنابراین سن معلم تأثیری بر رابطه‌ی تیپ ارزشی معلم با تیپ ارزشی دانش‌آموز ندارند. چنان که از این تحقیق استنباط می‌شود، معلمان هر یک از گروه‌های سنی، نقشی در پذیرش ارزش‌ها از سوی دانش‌آموز داشته‌اند. لیکن چنان که ملاحظه شد، اکثر دانش‌آموزان، معلمان مورد علاقه‌ی خود را از بین سنین ۳۰-۴۵ سال انتخاب نموده که ۷۱/۳ درصد معلمان عضو نمونه از نظر سن در این گروه قرار داشتند همچنین تطابق تیپ ارزشی آنان با دانش‌آموز بیش از عدم تطابق آن بوده است. حتی معلمان زیر ۳۰ سال که معلمان ۲۱/۲ درصد افراد نمونه را تشکیل می‌دهد، در ۸۰ درصد موارد تطابق تیپ ارزشی و ۲۰ درصد عدم تطابق، در سنین ۴۶ به بالا که اتفاق می‌افتد، ۷/۵ درصد معلمان از کل افراد نمونه را تشکیل می‌دهد. ۵۰ درصد تطابق و ۵۰ درصد عدم تطابق تیپ ارزشی با دانش‌آموز را نشان دادند. شاید دلیل این باشد که سنین زیر ۳۰ سال و همچنین سنین ۴۶ به بالا که نزدیک سن بازنشستگی اکثر فرهنگیان است، کمتر از سن ۳۰-۴۵ در بین معلمان آموزش و پرورش وجود دارند. ممکن است کاهش تعداد این گونه معلمان باعث کاهش درصد معلمان نامبرده در این گروه‌ها شده باشد، به علاوه از طریق مصاحبه با مسئولان آموزش متوسطه طبق گزارش‌هایی که آموزش و پرورش ارائه داده است، معلمانی که از ۱۰ الی ۱۵ سال از سابقه‌ی کار آنان می‌گذرد، کارآیی بیشتری دارند، باعث شده باشد که این گروه از معلمان بیشتر مورد توجه قرار می‌گیرند و این گروه شامل

افرادی می‌شود که در اوایل پیروزی انقلاب اسلامی ایران تازه وارد عرصه تعلیم و تربیت رسمی کشور شده بودند یا در آستان این فرآیند بودند. در بررسی تأثیر سواد والدین بر رابطه‌ی بین نظام‌ارزش‌های معلم و نظام‌ارزش‌های دانش‌آموز، نتایج حاکی از آنست که تفاوت میان تحصیلات مختلف پدر و مادر موجب شده تا از معلم خویش سرمشق گرفته و با معلم دوست داشتنی خود همانندسازی کند و سعی کند بدین طریق نظام ارزش‌های او را درونی سازد. بنابراین فرآیندی را که والدین در خانواده برای تربیت آنها آغاز کرده‌اند، در مدرسه ادامه داده شده و به سرانجام برسانند یا هماهنگ و همسو با خانواده، ارزش‌ها و الگوهای رفتاری مورد نظر فرهنگ جامعه را به افراد منتقل کنند. همچنین یافته‌ها نشان دادند که آزمودنی‌هایی که میزان تحصیلات پدر و مادر آنان کمتر بوده؛ یعنی زیردیپلم بوده است، بیشترین تطابق تیپ‌ارزشی معلم با تیپ‌ارزشی دانش‌آموز را نشان داد و کسانی که میزان تحصیلات والدین آنان بیشتر بوده یعنی در حد فوق‌لیسانس و دکترا کمترین تطابق ارزشی را داشتند.

لذا در این راستا نتیجه‌گیری می‌شود که میزان سواد با تطابق معلم و دانش‌آموز، رابطه‌ی معکوس دارد. هرچه سواد والدین بیشتر باشد، تطابق تیپ ارزشی کمتر است. به طور کلی، خانواده نیز در درک ارزش‌های خاصی توسط افراد نقش اساسی بازی می‌کند، به طوری که تحقیقات نشان داده‌اند، میان رویکرد ارزشی فرزندان و تصور و درکشان از الگوهای رفتار والدین، رابطه وجود دارد. تا حدود زیادی این رابطه‌ی معکوس می‌تواند به این علت باشد که در خانواده‌هایی که تحصیلات پدر و مادرشان بالاتر است به دلیل انتظارات اولیه والدین و پاداش‌هایی که برای استقلال فرزندان خود، فراهم می‌کنند و همچنین الگو و سرمشق با قدرت و مورد علاقه از ابتدا در خانه آنان وجود داشته است، و در مراحل رشد اولیه و تشکیل انگیزه‌های شخصیتی خود، از والدین همانندسازی می‌کنند. آنان با آموزش‌های ویژه و توجهات خاصی که از طرف این‌گونه والدین دریافت می‌دارند، کمتر در جستجوی سرمشق در بیرون از خانه هستند و بیشتر تحت نفوذ قدرت والدین در پذیرش و درونی ساختن ارزش‌ها قرار دارند. برعکس

آزمودنی‌هایی که تحصیلات والدینش به خصوص تحصیلات پدرانشان کمتر بود، به علت آنکه محرک‌های محیطی کمتری از قبیل: کتاب، تصاویر، بحث‌های میان افراد خانواده خواه علمی خواه اخلاقی و دیگر انواع محرک‌ها، نسبت به محیط‌های غنی از نظر فراهم کردن امکانات پیشرفت (مثلاً پیشرفت تحصیلی) وجود دارد بعد از ورود به مدرسه به عنوان یک نهاد اجتماعی، سعی در جستجو و پذیرش الگویی خواهد نمود که بتواند انگیزه شخصیتی او را رشد دهد و در این ارزیابی‌های ارزشی معمولاً معلمی را جانشین پدر و مادر خود خواهد کرد که به او دل‌بسته‌تر است و به علت این دل‌بستگی از نظر دانش‌آموز، معلم دارای قدرت مشروعیت، (به خاطر هنجارها و انتظارات متداول از معلم و اختیاراتی که او دارد) قدرت اطلاعات (به خاطر این که او تصمیم می‌گیرد که چه چیزی را باید بداند)، قدرت تخصص (به خاطر این که به باور دانش‌آموز معلم بهتر از هر کس می‌داند که در این موقعیت چه کار باید انجام بگیرد) و قدرت مرجعی (دانش‌آموز به خاطر خصوصیات شخصی معلم با نظر احترام و تحسین می‌نگرد) در مدرسه است، به دلیل این قدرت‌های ویژه از نظر اوست که طبق خواسته‌های معلم رفتاری می‌کند و بدین لحاظ، از طریق آموزش از سوی معلم فرآیند انتقال ارزش‌ها صورت می‌گیرد. باتوجه به یافته‌های این پژوهش، از بین معلمان مورد علاقه نام معلم چهار واحد تحصیلی شامل: فارسی، ریاضی، دینی و زیست‌شناسی بیشتر از بقیه‌ی دروس ذکر شده است. همچنین آزمودنی‌هایی که رشته‌ی تحصیلی آنان ریاضی بوده، بیشتر نام معلم واحد درسی ریاضی و آنان که رشته‌های تحصیلی‌شان رشته‌ی علوم تجربی بوده، بیشتر نام معلم واحد درسی زیست‌شناسی و دانش‌آموزان رشته‌ی ادبیات علوم انسانی بیشتر نام معلم واحد درسی فارسی و دینی را ذکر کرده‌اند. به عبارت دیگر در هر رشته‌ی تحصیلی، معلمان تخصصی آن رشته بیشتر مورد علاقه‌ی دانش‌آموز بوده است. احتمالاً علت این امر ارتباط مستقیم هر واحد درسی با یکی از رشته‌های علمی است. البته ساختار رشته‌های تحصیلی هم به عنوان عاملی مؤثر در علاقه‌مند شدن دانش‌آموز به معلم، به شمار می‌آید.

منابع:

- ۱- احمدی، سیداحمد (۱۳۶۷): پژوهش مقدماتی گرایش‌های ارزشی دانشجویان دانشگاه اصفهان؛ مجله‌ی پژوهشی دانشگاه اصفهان؛ چکیده: جلد دوم، شماره‌ی ۱ و ۲.
- ۲- اردوبادی، احمد (۱۳۵۴): بهداشت روانی دانشجویان شیراز، پایان‌نامه، دانشگاه شیراز.
- ۳- بابائی، عبدالله (۱۳۷۲): ارتباط ارزش‌های انسانی؛ انتشارات دستان، چاپ اول.
- ۴- تیموری، رضا (۱۳۷۳): بررسی نظام‌ارزشی مدیران دبیرستان‌های شهر اصفهان. رساله‌ی کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان.
- ۵- جلیلی، هادی (۱۳۷۸): شکاف نسل‌ها؛ فصلنامه‌ی فرهنگ عمومی، شماره‌ی ۱۴-۱۵، بهار و تابستان.
- ۶- تنهایی، ح (۱۳۷۱): درآمدی بر مکاتب و نظریه‌های جامعه‌شناسی؛ مشهد: نشر مرندیز.
- ۷- زارع، خداداد (۱۳۷۷): بررسی ارتباط بین جهت‌گیری‌های ارزشی، تعهد سازمانی کارکنان حوزه‌ی ستادی وزارت آموزش و پرورش، رساله‌ی کارشناسی ارشد دانشکده‌ی روانشناسی علامه طباطبائی.
- ۸- سلیمانی، نادر (۱۳۷۵): بررسی رابطه‌ی گرایش‌های ارزشی مدیران و رفتار رهبری آنان در دبیرستان‌های دولتی پسرانه شهر اصفهان، رساله‌ی کارشناسی ارشد دانشگاه اصفهان.
- ۹- روزن باوم، هایدی (۱۳۶۷): خانواده به منزله‌ی ساختاری در مقابل جامعه؛ ترجمه‌ی محمدصادق مهدوی، تهران: مرکز دانشگاهی.
- ۱۰- محمدی، مهدی (۱۳۷۷): بررسی رابطه‌ی بین ارزش‌های سازمان و احساس معلمین از محیط مدرسه در دبیرستان‌های شهر شیراز، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد: دانشگاه شیراز.
- ۱۱- کالسون، رابرت وی ووگری، آکرمن (۱۳۷۴): برنامه‌ریزی آموزشی؛ ترجمه‌ی غلامعلی سرمد، تهران: چاپخانه‌ی شرکت انتشارات علمی فرهنگی، چاپ اول.

References

-Pusey Michael. 1987. Jurgen Habermas. Tavistock Publications. London and New Yor.

k-46





شروہ شگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی